

• **یادداشت یک** •

• **محمدحسین شریف‌زادگان** •

## سیاستمداری با فراست، توسعه‌گرا و آزادی‌خواه

بی‌تردید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی از چهره‌ها و شخصیت‌های ملی ایران به‌شمار می‌آید. روستا زادای که به خاطر هوش و فراست، اراده و مشارکت در همه مقاطع انقلاب و مبارزات فرهنگی، اجتماعی سیاسی و انقلابی و در جوار آن فعالیت در حوزه اقتصادی و تجاری، چنان ظرفیتی در خود ایجاد کرد که هم قبل از انقلاب و در مبارزات ضد رژیم شاه درخشید و هم در وقوع انقلاب به‌عنوان یکی از رهبران این جنبش نقش ایفا کرد و هم یکی از ستون‌های انقلاب پس از پیروزی آن شد. بعد از پیروزی انقلاب علاوه بر عضویت در شورای انقلاب، تقویت‌کننده مهم‌ترین هنر امام خمینی (ره) در نهادسازی‌های اوایل انقلاب، رفراندوم جمهوری اسلامی، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و دولت و مجلس برآمده از قانون اساسی بود. این تحولات و ماموریت‌ها در حالی عملیاتی شدند که به‌طور معمول سنت انقلاب‌ها این‌گونه نهادسازی‌ها را به‌تأخیر می‌اندازد و کشور برای مدت‌ها توسط شورای انقلاب اداره می‌گردد. چه‌آن هنگام که ایشان در شورای انقلاب عضویت داشت و چه زمانی که رئیس مجلس شورای اسلامی بود و چه زمانی که فرمانده جنگ تحمیلی بود، کمتر تصمیم و اقدام استراتژیک و مهمی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و دفاعی در کشور اتخاذ می‌شد که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یا در آن مشارکت نداشته باشد و یا مورد مشورت قرار نگیرد. اینجانب به خاطر آنکه در سطوح مختلف جریانات بعد از انقلاب که‌موبیش حضور داشته‌ام، شاهد بودم که بعضی از تصمیمات مهم، حداقل تا آخر دهه شصت، بعد از تصمیم‌گیری متوقف به مشورت با ایشان می‌شد. علت آن نه اقتدار یا نفوذ ایشان بلکه متأثر از نقش کارساز و تسهیل‌کننده ایشان در امور خطیر کشور بود. بی‌جهت نیست که نام هاشمی با نام امام خمینی (ره) و نام انقلاب اسلامی ایران در ذهن‌ها و تاریخ انقلاب پیوند خورده‌است. هاشمی رفسنجانی چنان توانایی از خود نشان داد که در همه امور کشور، توانایی ورود و حل مسئله داشت و این نوع توانایی در رهبران جامعه کم‌نظیر است. هاشمی رفسنجانی دارای هوش و استعداد کم‌نظیری بود. ایشان به‌خوبی این توانایی را داشت که با فراست در مواجهه با پیچیده‌ترین مسائل اقتصادی، اجتماعی و فنی قرار گرفته و راحل‌های مناسب خود را استخراج کند. به همین خاطر بحث کردن با ایشان محتاج آمدگی‌های لازم بود. من به خاطر مسئولیت معاونت سازمان برنامه‌بودجه در زمان ریاست‌جمهوری ایشان ومدتی هم‌مسئولیت‌دیری شورای اقتصاد کشور طی چندین سال، حداقل یک تا سه جلسه در هفته با ایشان ملاقات داشتم. در جلسات شورای اقتصاد بعد از ارائه گزارش‌های سازمان برنامه‌بودجه که به خاطر نوع مسئولیت امروز برزیبانی اغلب به‌بنده محول می‌شد، سئوالات متعدد فنی و بی‌دربی داشت و همین امر سبب می‌شد که بنده و همکارانم در سازمان برنامه از قبل پاسخ تمام سئوالات احتمالی را در فایل‌های مشخص آماده کنیم. ایشان در مسائل مختلف، مشارکت و مباحثه فراوانی می‌کردند و به راحتی قانع نمی‌شدند. به کارشناسان احترام می‌گذاشت. ضمن اینکه در جلسات به مباحث کارشناسی دقیق گوش می‌داد و اصولا خصلت «گوش دادن» در او قوی بود؛ چیزی که امروزه در مسئولان ما کمتر دیده می‌شود.

روزی در شورای اقتصاد، طرح راه‌آهن مشهد– سرخس مطرح بود. ارزیابی ما در سازمان برنامه بعد از محاسبه دقیق هزینه– فایده این بود که این طرح غیراقتصادی است و ساخت آن را رد کردیم. بنده در شورای اقتصاد این مسئله را مطرح کردم که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفتند کارتان بسیار ارزنده و خوب است اما اجازه بدهید در این مورد به خاطر حساسیت ارتباط با آسیای مرکزی، تصمیم استراتژیک و سیاسی بگیریم و درنهایت هم طرح در شورا به تصویب رسید. امروز بعد از ۲۴ سال هنوز درستی محاسبات ما پایرجاست ولی نمی‌توان از نقش استراتژیک این راه‌آهن در عضویت کشور ایران در کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال – جنوب و ارتباط ما با آسیای مرکزی به‌راحتی گذشت. مسئله‌ای که نشان از تصمیم درست استراتژیک در شورای اقتصاد آن روز دارد. در ریاست‌جمهوری، حسابی تحت عنوان حساب ۲۱۰ وجود داشت که مازاد قیمت ارز را در اختیار رئیس‌جمهور قرار می‌داد. سازمان برنامه‌بودجه برای این حساب نظر خوبی نداشت. نهایتاً آیت‌الله هاشمی رفسنجانی موافقت کردند که هزینه‌کرد این حساب با نظر سازمان برنامه باشد. کلیه دستورها به سازمان برنامه می‌آمد و نهایتاً ما بیش از ۵۰ درصد از دستوره‌ای رئیس‌جمهوری را در جلسه حضوری در تطبیق با عملکرد بودجه رد می‌کردیم. هاشمی رفسنجانی برخلاف آنچه در بیرون به‌امريت در مدیریت معروف شده بود بارها می‌گفت «اگر کسی را منصوب کنم

ادامه در صفحه روبرو

## نگرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دوقطبی شدن جامعه

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سال‌ها بود که فقط به ملت و مصالح و منافع مردم فکر می‌کردند، در خصوص آخرین دیدار خود با ایشان گفت: «چند ساعت قبل از فوت با ایشان جلسه داشتم. آرزوی ایشان ساخت کشور و آرامش آن و نگرانی‌شان دوقطبی شدن جامعه و تنازعاتی بود که برای استقلال و پیشرفت کشور مهلک است.» حسن قاضی‌زاده هاشمی در حاشیه مراسمی با موضوع سلامت در قم با اشاره به امیدها و نگرانی‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره آینده کشور، افزود: «ایشان در دشمن‌شناسی نمره فوق‌العاده ویژه‌ای داشتند و نگران بودند که خناسان و دشمنان، تمام دستاوردهای انقلاب که هزینه‌های زیادی برای آن پرداخت‌شده را از بین ببرند.»

# ا کتینه‌و

# درک درستی از روابط کار و سرمایه داشت

### دکتر غلامرضا سلیمانی امیری، مدیرعامل پیشین سازمان تامین اجتماعی و مدیرعامل کنونی گروه سرمایه گذاری غدیر، از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌گوید

• **گفت و گو** •

• **میترا فردوسی** •

بود. در چنین شرایطی، آیت‌الله تازه از جنگ فارغ شده، سکانتدار بدنه اجرایی کشور شد تا زیرساخت‌های کشور را از نو بنیان نهد. خود او در شرح وضعیت کشور در آن مقطع زمانی گفته بود: «انبارها خالی و کارخانه‌ها فرسوده بود و نبود قطعات و مواد اولیه، خط‌های تولید را متوقف کرده بود. درآمد ارزی کشور حدود ۷ میلیارد دلار بود و میزان بدهی‌های خارجی هم ۱۲ میلیارد دلار. از لحاظ روحی هم به خاطر جنگ و شرایطی که پیش آمده بود، خیلی ها نوعی سرخوردگی داشتند...». این چنین بود که «فرمانده جنگ» سبک و سیاقی متفاوت در رویکرد توسعه‌ای کشور در پیش گرفت و پایه‌های جدیدی استوار نهاد که تا آن زمان سابقه نداشت. دکتر غلامرضا سلیمانی‌امیری که آن روزها در وزارت بازرگانی مشغول خدمت بود و بعدها به ریاست سازمان اقتصادی کوثر رسید و در برهه‌ای (سال‌های ۸۲–۸۴) هم عهده‌دار مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی شد، با نگاهی اجتماعی، شخصیت و عملکرد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را بررسی می‌کند. مدیرعامل کنونی «صندوق سرمایه‌گذاری غدیر» و یکی باز رئیس فقید دولت سازندگی را «عالم به زمانه بودن» می‌داند که همراهی‌اش با هوش سرشار و قوه درکی مثال‌زدنی، دستاوردهای گرانیهایی برای اقتصاد به‌بن‌بست خورده آن سال‌ها به همراه آورد. عضو هیئت‌علمی دانشگاه الزهرا (س) تأکید دارد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از اساس معتقد به برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی و کاهش فقر و بیکاری از رهگذر بهبود فضای کسب‌وکار بود. وی سعی می‌کند در جای‌جای صحبت‌های خود زوایایی از این نگرش را روشن کند.

■ **پرسش اول من در رابطه با خاطرات شما از سال‌ها تجربه کاری دور و نزدیک با دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است. قدری از نوع این ارتباط و تأثیر سیاست‌های دولت ایشان بر حیطه فعالیت‌های دستگاه‌هایی که شما از مسئولان رده‌بالای آن بودید و نوع رابطه‌تان چه در تعریف و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها و چه در روش‌های حصول به اهداف دولت بگویید.**
درگذشت آیت‌الله رفسنجانی از این رو که ناگهانی بود و کسی انتظار آن را نداشت، اثر اندوهناکی بر جامعه برجای گذاشت و بسیاری از علاقه‌مندان و طرفداران ایشان را بهت‌زده کرد. در چنین شرایطی که انتظار می‌رفت پس از برجام، حضور ایشان در جامعه پرنرنگ‌تر دیده شود، با مسئله فقدان او مواجه شدیم که به نظر من بسیار برای کشور سنگین است. امیدواریم با همت افراد متفکر، صلح و علاقه‌مند به کشور، مسئله فقدان او به نحوی حل و جبران شود. البته امیدواریم در سایه حضور و درایت رهبری، از این فرصتی که پس از برجام برای کشور به وجود آمده است، استفاده ببریم و برای حل مشکل بیکاری جامعه و برای رشد و شکوفایی جامعه و ایجاد اشتغال و بالا بردن تعاملات بین‌المللی از این شرایط به نحو احسن استفاده کنیم. تقریباً تمام ملت ایران با نام و تفکر و برنامه‌های آیت‌الله رفسنجانی از آستانه انقلاب تا کنون آشنا هستند. نسل‌هایی مانند ما حتی قبل از دوران انقلاب آیت‌الله رفسنجانی را می‌شناخیم و وجود و اثرگذاری ایشان را در برهه‌های حساس و در مواقعی که تصمیم‌های کلان و سرنوشت‌ساز گرفته می‌شد، کاملاً احساس می‌کردیم. با توجه به اینکه من در آن سال‌ها در سازمان گسترش و نوسازی صنایع و بخش‌های اقتصادی حضور داشتم جلسات و ارتباطاتی با آیت‌الله رفسنجانی داشتم، در جلسه‌ای که همین اواخر با ایشان داشتم با وجود اینکه قرار اولیه گفت‌وگویی ۱۰ دقیقه‌ای بود اما حدود ۳۵ دقیقه به طول انجامید. در این جلسه، ایشان از من در باره وضعیت پس‌ابرجام و اثرات آن را در اقتصاد کشور پرسیدند و از من خواستند درباره آن توضیح دهم. آیت‌الله هاشمی انسان بسیار باهوشی بودند و بنابراین نمی‌شد حرف‌های کلی زد. داستان‌سرایی اصلاً برای ایشان مفهومی نداشت. جملاتی که می‌گفتمی اگر دقیق و با آمار و ادله نبود به طور حتم صحبت‌های گوینده را قطع می‌کرد و می‌گفت که این حرف‌ها بر چه اساس و منطقی است. به همین دلیل وقتی توضیح می‌دادم که توانسته‌ایم شرکت‌های خارجی به‌خصوص سرمایه‌گذاران اروپایی را ترغیب به حضور در بازار ایران و سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی و آموزش نیروی انسانی کنیم، سوال‌های متعددی از من درباره نوع شرکت‌ها و نحوه سرمایه‌گذاری آن‌ها پرسیدند. زمانی که توضیحات دقیق را به ایشان دادم، در پاسخ به من گفتند: «شما وظیفه دارید این‌ها را به مردم بگویید. مردم خبر ندارند و فکر می‌کنند برجام هیچ اثر مثبتی نداشته است.» عین جمله ایشان این بود که «بروید با رسانه‌ها و به‌خصوص با رسانه ملی صحبت کنید و برای مردم بگویید که چه اتفاقاتی افتاده است.» احساس او این بود که با وجود کار بزرگی که در کشور انجام شده، آگاهی مردم نسبت به آن بالا نرفته است. من هم به ایشان گفتم تحولات اقتصادی، اتفاقی و سریع نیست بلکه اثرات آن در بلندمدت مشخص خواهد شد. برای ایشان مثال زدم که اگر امروز بخواهیم یک پالایشگاه بسازیم و نقدینگی و سایر پیش‌نیازها را هم داشته باشیم، طبق استاندارد جهانی حداقل تا ۵ سال زمان نیاز است تا پروژه به‌پهره‌برداری برسد و با احداث یک نیروگاه، نیازمند حدود ۴ تا ۳ سال زمان است. این مسئله چیزی نیست که انتظار داشته باشیم مردم متوجه باشند که در حال احداث نیروگاه و یا پالایشگاه هستیم. ایشان که کاملاً به مباحث تسلط داشتند تأیید می‌کردند که چون اثرات اقتصادی پس‌ابرجام طولانی مدت است از همین رو باید به مردم گفته شود. حتی این بحث هم مطرح شد که در واردات به‌محض ورود کالا مردم سریع متوجه می‌شوند. ایشان می‌گفتند اثر اقتصادی پس‌ابرجام نباید این‌طور باشد که در گمرک بر کالاهای خارجی بازشود بلکه شرایط نوین پس‌ابرجام زمانی ارزشمند خواهد بود

که منجر به تقویت زیرساخت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری خارجی شود. آیت‌الله رفسنجانی معتقد بودند که مردم کاملاً در جریان این اتفاق نیستند و از این بابت بسیار نگران بودند و تأکید داشتند باید به مردم گفته شود. خاطرم هست که برای ارائه گزارشی در خصوص خرید گاز از کشور ترکمنستان با محوریت یک شرکت خصوصی به حضور ایشان رفته بودیم. ایشان از شنیدن این خبر بسیار خوشحال شدند و گفتند که در سال ۷۳ و در زمان ریاست‌جمهوری‌شان، آرزوی دیرینه‌ای برای پیوند اقتصادی میان ایران و کشورهای همسایه شمالی داشته‌اند تا پیوندی استراتژیک و بلندمدت میان ایران و کشورهای این حوزه بر اساس منافع مشترک و حمایت متقابل در فرارزونشیب‌های جهانی ایجاد شود. ایشان ابراز خوشحالی کردند و گفتند که شما امروز موفق شده‌اید این آرزو را محقق کنید. این موضوع نشان از آینده‌نگری او دارد که جریانات را به‌خوبی می‌دیدند و تحلیل و تبیین می‌کردند.

■ **آیت‌الله هاشمی طی سال‌ها حلقه واسط مردم و حاکمیت در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بودند و این مهم را با میانه‌روی دنبال می‌کردند. این چیزی است که می‌توان رگه‌های آن را در پس اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی و اقتصادی ایشان هم مشاهده کرد. فکر می‌کنید برای جبران نبود چنین شخصی چه می‌توان کرد؟**

گفتمان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، که در سال‌های اخیر بسیار به آن پرداخته‌اند، اثرات خود را بر جامعه گذاشته است. گفتنی که مبتنی بر بیان خاطرات مختلف ایشان با امام خمینی (ره) در رابطه با بحث‌ها و مذاکرات با سران کشورهای مختلف بوده و در جلسات مختلف نیز بیان شده چیزی نیست که به‌راحتی از بین برود. ممکن است گفته شود این گفتمان در دوران فقدان فردی که پیگیر آن بود، تضعیف خواهد شد اما به نظر من این گفتمان نهادینه شده است. اعتقاد من این است که نسل جوان امروزی که قریب به اتفاق آن‌ها تحصیل کرده و باسواد هستند، به‌طور جدی به این گفتمان روی آورده‌اند. اعتقاد شخصی من این است که حضور پرشور مردم در مراسم تشییع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بهترین نماد از نهادینه شدن گفتمان ایشان در سطح کشور است که هم در تهران مشاهده شد و هم در سایر شهرها و استان‌های کشور اقشار مختلف مردم از رحلت او متأثر شدند. به نظر من حضور مردم در مراسم تشییع پیکر ایشان، نشان می‌دهد که گفتمان آیت‌الله هاشمی نهادینه شده و از آن سو مردم طرفدار تفکر رشد، توسعه، تعادل، سازندگی و تعامل هستند. اتفاق‌های روزهای اخیر در کشور همین موضوع را نشان می‌دهد.

■ **ایشان در سیاست‌های سازندگی خود تعدیل ساختاری را طی هشت سال پی می‌گیرند، خصوصی‌سازی گسترده را در دستور کار قرار می‌دهند و این مردم نیز مشارکت در بازسازی را طلب می‌کنند. همه این سیاست‌ها در شرایطی دنبال می‌شود که ترس از سرمایه‌گذاری در کشور نیز جدی بود. قدری برای ما که از دور به ارزیابی کارنامه اقتصادی دولت‌های سازندگی نشسته‌ایم، وضعیت را شرح دهید. چقدر این سیاست‌ها در بهبود فضای کسب‌وکار و تجدید ساختارهای اقتصاد کشور شمر ثمر واقع شد؟**

لازم است قبل از پاسخ به پرسش شما، به موضوعی اشاره کنم. ما معتمدی که فرد مصلح و یا مدیر کسی است که به شناخت درستی از زمانه خود دست یافته باشد. اگر دقت کنید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در برهه‌های قبل و بعد از انقلاب، تغییراتی

ویدئو

یادنامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی



یکشنبه ● ۲۶ دی ۱۳۹۵ ● شماره هشتاد و هشت

A T I V E H N O

باشد. بدین مفهوم که فضای کسب‌وکار برای همه مردم مهیا باشد. ایشان اعتقاد داشتند که اگر ما بتوانیم این فضا را آماده کنیم، عملاً عدالت اقتصادی و اجتماعی نیز برقرار می‌شود. به همین دلیل مفهومی که دولت اشتغال‌زایی دنبال می‌کرد ایجاد مستقیم شغل نبود بلکه زمینه‌سازی برای ایجاد شغل بود. زمینه‌سازی به این معنا که وقتی زیرساخت‌هایی مانند جاده و نیروگاه و سد و ارتباطات بین‌المللی فراهم باشد، خود عاملی می‌شود در آماده‌سازی فضای کسب‌وکار برای جامعه‌ای که برخورداری از امنیت اقتصادی و اجتماعی خواسته نهایی‌شان است. دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به نظر من در همین مسیر حرکت کرد و بسیار هم موفق بود. طبیعی است که برخی هم به سیاست‌های ایشان در آن سال‌ها در زمینه عدالت اقتصادی و اجتماعی و به‌ویژه افزایش شکاف طبقاتی نقدهایی داشته باشند.

■ **برخی و به‌خصوص گروهی از اقتصاددانان دلیل عدم موفقیت کامل دولت ایشان در دستیابی به حاشیه امن اقتصادی و اجتماعی را همراهی نکردن برخی از دستگاه‌ها و نهادها می‌دانند. نظر شما چیست؟**
خیر. من چنین نظری ندارم. معتقدم پس از جنگ که بحث زیرساخت‌ها مطرح شد، به نوعی بخش خصوصی بیشتر توانست رشد کند و طبیعی است که درآمد بیشتری هم کسب کرد. وقتی رشد اقتصادی ایجاد می‌شود، عملاً نقدینگی در کشور افزایش می‌یابد و افزایش نقدینگی هم به تورم بالاتر منجر می‌شود. این وضعیت به‌مثابه فرصت‌های بیشتر برای طبقات و بخش‌هایی از جامعه و افزایش فاصله و شکاف با دیگر طبقات است. به همین دلیل معتقدم در پاره‌ای از اوقات حدی از تورم بهتر از رکودی است که اثرات زیان‌باری بر بیکاری و تولید دارد.

■ **شما حدود دو سال در رأس سازمان تامین اجتماعی خدمت کردید. سازمانی که ارتباط تنگاتنگی با نیروی کار و حمایت از آن‌ها بر اساس قوانین کار و تامین اجتماعی دارد. بررسی تحولات سال‌های تصویب قانون کار نشان می‌دهد که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در فرآیند تدوین و تصویب قانون کار به‌مثابه سندی که تنظیم‌کننده روابط میان سه ضلع دولت، کارگر و کارفرماست، نقش برجسته‌ای داشته‌اند. به نظر شما آیت‌الله هاشمی تا چه اندازه در بهبود روابط این اضلاع و به‌طور مشخص‌تر حمایت از نیروی کار موفق بوده است؟**

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال‌هایی که بحث رشد اقتصادی و سازندگی کشور را پیگیری می‌کردند به طور طبیعی هدفشان این بود که با ایجاد اشتغال بیشتر در کشور، سطح رفاه مردم را بالاتر ببرند. زمانی که بحث قانون کار پیش آمد تلاش‌های زیادی کردند که به نحوی رابطه کارگر، کارفرما و دولت را تبیین کنند. بدین معنا که دولت نقش بسترساز و حامی داشته باشد و میان کارگر و کارفرما نیز رابطه‌ای منطقی برقرار شود که هم ایجاد اشتغال و سرمایه‌گذاری برای کارفرما جذابیت داشته باشد و هم حق کارگران برای دستیابی به سطحی از رفاه و آسایش

■ **به شکاف طبقاتی اشاره کردید. عده‌ای معتقدند بخشی از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آیت‌الله هاشمی برای کشور نتایج مطلوبی به همراه نداشته و مثلاً بر افزایش شکاف طبقاتی در کشور انگشت می‌گذارند.**

**این در حالی است که ایشان عمیقاً به عدالت اجتماعی و برقراری آن معتقد و پایبند بودند. تحلیل محتوای خطبه‌های ایشان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و تحلیل همه‌جانبه اهمیت عدالت اجتماعی در این خطبه‌ها، همین واقعیت را اثبات می‌کند. ارزیابی شما از اهمیت برقراری عدالت اجتماعی در نگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چیست؟**
آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اعتقاد راسخی داشتند که تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی زمانی میسر است که زیرساخت‌های اقتصادی کشور فراهم و رشد اقتصادی نیز مثبت